

# نقش و کارکردهای نهادهای آموزشی در انتقال ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی

دکتر رمضان حسن‌زاده

## چکیده

در این مقاله، به بررسی نقش و کارکرد نهادهای آموزشی در انتقال ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی می‌پردازیم. نهادهای آموزشی از جمله نهادهای بنیادی جامعه به حساب می‌آیند. اصولاً جوامع برای یادگیری، دانش‌اندوزی، انتقال ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی و ارزش‌گذاری به اصول اخلاقی، اهمیت قابل‌اند. هر چیزی که برای یک نظام اجتماعی، مورد نیاز، محترم، مقدس، خواستنی و مطلوب تلقی شود، جزو ارزش‌های آن جامعه است. میان ارزش‌ها و توسعه ملی در ابعاد گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تعامل وجود دارد. نهادهای آموزشی هر کشور در انتقال ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی نقش مهمی دارند. نظام تعلیم و تربیت، مدارس و نهادهای آموزشی در هر جامعه منعکس‌کننده ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی - اجتماعی آن جامعه محسوب می‌شود. در این مقاله به فرهنگ و ویژگی‌های آن، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، ارزش‌ها و نقش نهاد آموزشی، تحقیقات انجام شده در این زمینه، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها می‌پردازیم.

## مقدمه

نهاد، نظام<sup>۱</sup> سازمان یافته و پایداری از الگوهای اجتماعی است که برخی رفتارهای تأیید شده و یکنواخت را در جهت برآورده ساختن نیازهای بنیادی جامعه، ایجاد می کند. در هر جامعه، پنج نهاد اجتماعی بنیادی وجود دارد. که عبارت اند از نهاد خانواده، نهاد آموزشی، نهاد مذهبی، نهاد اقتصادی و نهاد حکومتی. هر نهاد، کارکردها و مسئولیت های معینی دارد که به افراد جامعه واگذار می شود و برای رسیدن به هدف هایش، باید کارکردهای چندگانه ای انجام دهد. نهادها چند ویژگی اساسی و مهم دارند:

۱. هدف اصلی هر نهادی برآوردن نیازهای اجتماعی خاصی است.
۲. نهادها ارزش های غایی اعضای خود را متبلور می سازند.
۳. نهادها نسبتاً پایدارند، چنان که الگوهای رفتاری جا افتاده در آن ها، به صورت بخشی از سنت فرهنگی یک جامعه در می آیند.
۴. مبانی اجتماعی نهادها چنان گسترده است که فعالیت هایشان پهنه وسیعی از جامعه را می پوشاند. هر تغییر چشمگیری در یک نهاد، احتمالاً دگرگونی هایی در نهادهای دیگر به بار می آورد.
۵. گرچه همه نهادهای یک جامعه به هم وابسته اند، هر نهادی بر محور یک رشته هنجارها، ارزش ها و الگوهای رفتاری مورد انتظار، به شدت ساختارمند و سازمان یافته است.
۶. آرمان های یک نهاد معمولاً مورد پذیرش اکثریت عظیمی از اعضای جامعه است، چه آن ها در این نهادها عملاً مشارکت داشته باشند و چه نداشته باشند (۱).

نهادهای آموزشی ساختارمندند و تشکیلات اداری بسیار منظمی دارند. جامعه برای یادگیری، دانش اندوزی، انتقال ارزش های اجتماعی- فرهنگی، ارتقای تحصیلی، تربیت صحیح، رسیدن فرد به کمالات انسانی، رعایت انضباط اجتماعی و ارزش گذاری فرهنگی، اهمیت بسیاری قایل است. از طریق فرآیند اجتماعی شدن به طور کلی، هر نهاد اجتماعی، شیوه های رفتار شایسته و ناشایسته را به افراد نشان می دهد. برای مثال، در مدرسه به ما آموخته می شود که از قوانین مملکت پیروی کنیم، به بزرگ ها احترام بگذاریم، با همکلاسان خود همکاری کنیم، برای رقابت سازنده ارزش قایل شویم،

از تقلب و تجاوز به حقوق دیگران بپرهیزیم و به مقدسات دینی و آرمان‌های ملی احترام بگذاریم. نهادها به افراد جامعه می‌آموزند که بهترین شیوه رفتار، همان رفتار با ثبات و همساز نهادینه شده است و این سازمان‌ها در جهت تنظیم و نظارت بر رفتار اجتماعی عمل می‌کنند. کارکردهای ویژه نهاد‌های آموزشی عبارت‌اند از: ایجاد آمادگی در افراد برای قبول نقش‌های شغلی، عمل کردن در نقش وسیله انتقال میراث فرهنگی، آشنا ساختن افراد جامعه با نقش‌های گوناگون، آماده ساختن افراد برای برخی نقش‌های اجتماعی مورد انتظار، فراهم آوردن مبنای ارزش‌یابی و فهم منزلت‌های اجتماعی، فراهم آوردن تغییر و پیشرفت در جامعه از طریق پژوهش‌های علمی و تقویت تطبیق قدرت افراد با ارزش‌های اجتماعی و تسهیل روابط اجتماعی.

### فرهنگ و ویژگی‌های آن

انسان‌ها توانسته‌اند به کمک نیروی اندیشه، برخلاف دیگر جانداران، خود را از تسلیم و وابستگی بی‌قید و شرط به طبیعت برهانند و برای مبارزه و تسلط بر آن، راه‌ها، روش‌ها و وسایلی اختراع کنند که به مجموعه آن‌ها «فرهنگ»<sup>۲</sup> می‌گویند. فرهنگ مجموع پاسخ‌های انسان به پرسش‌ها و نیازهای گوناگون ناشی از ضروریات زندگی در طبیعت و در جامعه است. تایلور<sup>۳</sup> فرهنگ را حاصل رفتار و کردار انسان‌هایی می‌داند که در جامعه زندگی می‌کنند. بنابراین، فرهنگ شیوه کلی زندگی در هر جامعه است و ویژگی‌هایی دارد:

۱. انتقال پذیری: فرهنگ فرآیندی است که از طریق آموزش، از نسلی به نسل بعدی انتقال و ادامه می‌یابد و دگرگون می‌شود. فرهنگ با انتقال تجربه‌ها، الگوها و قالب‌های رفتاری را در ذهن افراد جامعه حک می‌کند و زمانی که این قالب‌ها حک شد، آثار تجربه‌ها، عمیق و مداوم و مستمر می‌شود. فرآیند حک کردن از طریق جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری و یادگیری انجام می‌شود.
۲. اکتسابی بودن: فرهنگ را می‌توان مجموع ویژگی‌های رفتاری و اکتسابی افراد یک جامعه دانست. واژه تعیین‌کننده در این تعریف، همان واژه اکتسابی است که فرهنگ را از رفتاری که نتیجه وراثت زیست‌شناختی است، متمایز می‌سازد.

۳. همگانی بودن: فرهنگ دست آورد فردی نیست؛ زیرا مجموعه‌ای از افراد در پدید آوردن آن شریک و سهیم‌اند.

۴. وسیله کنترل و نظم اجتماعی: از آن جا که افراد، شیوه‌های رفتاری و الگوهای فرهنگی جامعه را، چه به صورت سطحی (جامعه‌پذیری)<sup>۴</sup> و چه به صورت عمقی (فرهنگ‌پذیری)<sup>۵</sup> یاد می‌گیرند، فرهنگ وسیله‌ای است که رفتار و تمایلات و کردار آنان را یکنواخت می‌کند و از طریق مجازات‌هایی، باعث کنترل و ایجاد نظم در جامعه می‌شود (۲).

### ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی

از نظر جامعه‌شناختی، ارزش‌های اجتماعی به عوامل و عناصری اطلاق می‌شود که اکثریت مردم یک جامعه به اهمیت و اعتبار آن پی برده‌اند و به صورت واقعیات و اموری درآمده‌اند که نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه را برآورده می‌سازند. به بیان دیگر، هر چیزی که برای یک نظام اجتماعی مورد نیاز، محترم، مقدس، خواستنی و مطلوب تلقی شود، جزو ارزش‌های آن جامعه است. درست‌کاری، احترام به حقوق دیگران، رعایت حق والدین، احترام به بزرگ‌ترها و مانند آن چند نمونه از این گونه ارزش‌های اجتماعی است.

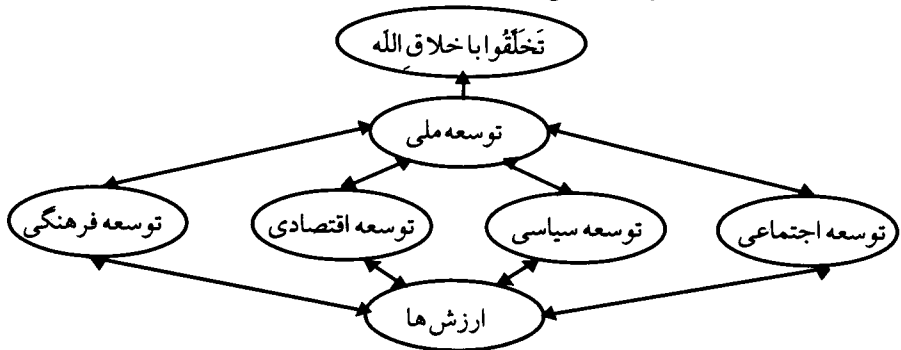
هنجارهای اجتماعی، شیوه‌های رفتاری معینی هستند که براساس ارزش‌های اجتماعی جامعه شکل می‌گیرند و با رعایت آن‌ها جامعه نظام پیدا می‌کند. در اصطلاح جامعه‌شناسی، هنجارها را «الگوهای استاندارد شده رفتار و کردار» می‌نامند. این الگوها نشان دهنده رفتار مطلوب افراد جامعه‌اند. مقررات رسمی، قوانین، احکام فقهی و شرعی، آداب و رسوم، شیوه‌های قومی و نظایر آن از جمله هنجارهای جامعه به‌شمار می‌روند. هنجارهای اجتماعی، راهنماهای آشکاری هستند که به مردم یک جامعه می‌گویند چگونه باید در شرایط خاص رفتار کنند. به علاوه، برای اعضای جامعه مشخص می‌سازند که در یک موقعیت اجتماعی، چه نوع رفتاری را در پیش گیرند و از چه نوع رفتاری پرهیز کنند (۳).

ارزش‌ها در تعامل اجتماعی و انتخاب روابط بین فردی نقش مهمی ایفا می‌کنند و راهنمایی برای

رفتارهای روزمره و واکنش‌های متقابل اجتماعی‌اند. طرز فکر و ارزش‌هایی که فرد به آن پای‌بند است، رفتار، نگرش‌ها، نیازها و ادراکات او را در تعامل با محیط اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهند. نظام ارزشی، بر ادراکات، انتخاب‌ها و تفسیرهای آدمی از رویدادهای زندگی تأثیر می‌گذارد و رفتار او را جهت می‌دهند. به زعم مانستدو هوستون<sup>۶</sup>، تبلور فرهنگ در رفتار اجتماعی با توجه به ارزش‌های فردی و اجتماعی صورت می‌گیرد (۴).

بین ارزش‌ها و توسعه ملی تعامل و کشش و تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. این تعامل را در نمودار زیر نشان داده‌ایم.

#### نمودار تعامل ارزش‌ها و توسعه ملی در قانون اساسی



#### ارزش‌ها و نقش نهاد آموزشی

ارزش‌ها، نگرش‌ها و علایق از جنبه‌های بسیار مهم شخصیت انسان به شمار می‌روند. ماهیت و اثر ارزش‌ها بر پیشرفت تحصیلی، موفقیت شغلی، روابط بین فردی، رضامندی از فعالیت‌ها و سایر جنبه‌های زندگی روزانه بارز است. فرآیند ارزش‌گذاری بخشی از طبیعت انسان است و نظام ارزشی یک شخص تعیین می‌کند که یک تجربه تا چه اندازه معنا دارد، چه مقدار هیجان برمی‌انگیزد و در آینده چه ارزشی خواهد داشت. به عقیده رولومی<sup>۷</sup> نوعی الگوی رشد<sup>۸</sup> در شکل‌گیری ارزش‌ها وجود دارد. بعد از تولد، محبت، مراقبت و تغذیه‌ای که مادر فراهم می‌آورد، با ارزش‌تر می‌شود و هرگونه تهدید این نیازها سبب می‌شود که نوزاد اضطراب را تجربه کند. همچنان که کودک رشد می‌یابد، موضوعاتی مانند پذیرش، موفقیت و جایگاه در بین همسالان ارزشمند می‌شود (۵).

وظیفه اساسی هر فرهنگ در زمینه پرورش اجتماعی، تعلیم معیارهای اخلاقی و ارزشی<sup>۹</sup> و شکل دهی و تقویت کاربرد رفتارهای شایسته در کودک در حال رشد است. هر چند که در فرهنگ‌های گوناگون ارزش‌ها و رفتارهای خاص مطلوب متغیرند، همه جوامع در مورد راست و غلط بودن برخی رفتارها، دارای نظامی از قواعد هستند. از کودک و نوجوان انتظار می‌رود که این قواعد را بیاموزد و هنگام تخطی از آن‌ها احساس گناه یا ناراحتی عاطفی کند و هنگام پیروی از آن‌ها احساس رضایت و خرسندی به او دست دهد. قرن حاضر را دوران تحول و تزلزل ارزش‌ها نامیده‌اند. در جوامع کنونی، مفاهیم ارزشی اعتبار خود را از دست داده‌اند مفاهیمی از قبیل آزادی، عدالت اجتماعی و برابری انسان‌ها مورد تعبیر و تفسیرهای متفاوتی قرار گرفته و در بعضی موارد به ضد خود تبدیل شده است. به عقیده دبس<sup>۱۰</sup> نظام ارزش‌ها در جوار دنیای علم و اطلاعات در جوانان پایه‌گذاری می‌شود و به تنظیم رفتار و مشخص کردن عقاید آنان کمک می‌کند (۶).

ارزش‌ها مفاهیمی مطلوب، یاد گرفته شده و سازه‌های نظری هستند که انتخاب‌ها بر اساس آن‌ها صورت می‌گیرد و فرد را به عمل و امی دارند. ارزش‌ها هدف‌های گسترده و انتزاعی‌اند و غالباً فاقد شیء یا موضوع مشخص یا نقطه ارجاع هستند. شجاعت، زیبایی و آزادی ارزش‌اند و به مثابه معیارهایی برای قضاوت یا معیارهایی انتزاعی<sup>۱۱</sup> عمل می‌کنند که شخص از آن‌ها برای تصمیم‌گیری بهره می‌برد و از آن طریق نگرش‌ها و باورهای خاص را در خود ایجاد می‌کند. هرگنهان و السون در کتاب مقدمه‌ای بر نظریه‌های شخصیت به نقل از می، ضمن بیان فرآیند رشدی ارزش‌ها به «ارزش‌های رشد یافته»<sup>۱۲</sup> اشاره می‌کنند. ارزش‌های رشد یافته با تأکید بر آزادی، آینده و برتری حالت انسان، ماهیت او را نشان می‌دهند (۷).

انتخاب‌های انسان بر اساس ارزش‌های وجودی او صورت می‌گیرد و اعمال و رفتارش نیز بر اساس همان نظام ارزشی جهت پیدا می‌کند. نظام ارزشی هر جامعه متفاوت است، به عبارتی، ارزش با تغییر تمدن و فرهنگ جامعه تغییر می‌کند و از آن بالاتر این که حتی ارزش‌های یک جامعه در گروه‌های گوناگون، متفاوت است. مثلاً ارزشی را که نوجوانان پذیرفته‌اند، شاید بزرگسالان طرد کنند و یا کمتر قبول داشته باشند (۸).

گذشت زمان در دیدگاه‌ها و باورها و فرهنگ جوامع تغییر و تحول ایجاد می‌کند و ارزش‌های افراد، که از فرهنگ و تمدن ملی و قومی پدید آمده‌اند، از این تحول به دور نمی‌مانند. شاید بتوان تحول ارزش‌ها در میان اکثریت قشرهای مردم ایران پس از انقلاب اسلامی را شاهدی روشن بر این مدعا دانست. زیرا پس از انقلاب، بسیاری از ارزش‌های مرتبط با نظام اجتماعی و سیاسی متحول شد و ارزش‌های جدیدی مانند وحدت ملی، ایثار، فداکاری و تقید مذهبی جایگزین آن‌ها گردید. ارزش‌ها نسبتاً با ثبات و پایدارند. ارزش‌های امروز فرد، احتمالاً با ارزش‌های گذشته او و ارزش‌هایی که در آینده خواهد داشت، شباهت بسیار دارند. دوام ارزش‌های فرد در مورد اهمیت نسبی آن‌هاست. به عبارت دیگر، همه ما مجموعه ارزش‌هایی داریم که نظام ارزشی ما را تشکیل می‌دهند. ارزش‌های ما از نظر ما اهمیت دارند و بر رفتار و کردارمان تأثیر می‌گذارند (۹).

غالباً بین ارزش‌ها، هنجارها و بخش‌های گوناگون یک فرهنگ رابطه وجود دارد. ارزش‌ها قسمت اساسی زندگی بشر محسوب می‌شوند. شیفر و لام ضمن تأکید ارزش‌ها در یک جنبه مهم از زندگی انسان‌ها، به نقش نهادهای آموزشی تأکید می‌ورزند.

«... باید توجه داشته باشیم که مدارس و نهادهای آموزشی در انتقال ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی نقش مهمی دارند. نظام‌های آموزش و پرورش، مدارس و کلاس‌های درس در هر فرهنگ منعکس‌کننده ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی - اجتماعی به کودکان است. تمام قواعد اجتماعی و ارزش‌های مطلوب را می‌توان از طریق نهادهای آموزشی به کودکان انتقال داد (۱۰).

یکی از ویژگی‌های اصلی ارزش‌ها، سلسله‌مراتبی بودن آن‌هاست. پارسونز<sup>۱۳</sup> در تحقیق خود به وجود سلسله‌مراتب ارزش‌ها در انسان پی برد. در خصوص ساختار ارزش‌ها باید نظریه اشپرانگر<sup>۱۴</sup> را، که افراد را بر حسب علاقه و ارزش دادن به چیزها به شش طبقه یا سنخ تقسیم می‌کند، مطرح کرد.

۱. سنخ نظری: رغبت اصلی فرد نظری کشف حقیقت است. هدف اصلی چنین فردی در زندگی مرتب و منظم کردن معلومات خود است. در نتیجه، ضرورتاً فردی باهوش و اصولاً عالم یا فیلسوف است.

۲. سنخ اقتصادی: علاقه فرد اقتصادی، به چیزی است که سودمند باشد.

۳. سنخ زیباشناختی: این فرد ارزش را در شکل و توازن می‌بیند.

۴. **سنخ اجتماعی:** بالاترین ارزش این سنخ، عشق به مردم است. این فرد مهربان و نسبت به مردم هم‌درد و بی‌غرض است.

۵. **سنخ سیاسی:** فرد سیاسی در درجه اول علاقه‌مند به قدرت است.

۶. **سنخ مذهبی:** قوی‌ترین ارزش فرد مذهبی را می‌توان «وحدانیت» نامید. فرد مذهبی همیشه متوجه ایجاد بالاترین و اقناع‌کننده‌ترین ارزش‌هاست و در هر واقعه مشیت الهی را می‌بیند (۱۱).

### تحقیقات انجام شده در ارتباط با موضوع و عنوان مقاله

در این بخش، به تحقیقات انجام شده در زمینه موضوع تحقیق اشاره می‌کنیم:

اکلس و همکاران در تحقیق گسترده‌ای به بررسی تأثیر تغییر در اوضاع و احوال مدرسه و خانه بر عقاید، ارزش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای نوجوانان در چند حیطه فعالیتی آن‌ها پرداختند. داده‌ها این فرض را تأیید کرد که تغییر در شرایط مدرسه، شرایط خانه و شرایط رشدی نوجوانان باعث تغییر در عقاید، ارزش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای آنان می‌شود (۱۲).

کوهن‌راز<sup>۱۵</sup> نیز در تحقیقی که در مورد گروهی از نوجوانان فرانسوی انجام داد، به این نتیجه رسید که تغییر محیط شناختی و محیط اجتماعی نوجوانان باعث تغییر در وضعیت تحصیلی و نظام ارزش آن‌ها می‌شود (۱۳).

اوبیدی در تحقیقی که در مورد ۲۹۶ دانش‌آموز دبیرستانی انجام داد، مشخص کرد که سلسله مراتب ارزش‌های دانش‌آموزان تحت تأثیر سطح سواد، شرایط اقتصادی و ارزش‌های پذیرفته شده والدین آن‌هاست. به نظر می‌رسد که بین سطح سواد والدین و نظام ارزشی کودکان و نوجوانان ارتباط نزدیکی وجود دارد. همچنین نحوه فرزند پروری در خانواده، بر پذیرش ارزش‌های فرهنگی و خانوادگی اثر قاطع می‌گذارد. به نحوی که در کشورهای آمریکایی، بر ارزش‌های فردی و رشد و پیشرفت فردی تأکید می‌کنند؛ ولی در کشورهای شرقی (مانند ایران، ژاپن، چین) بر ارزش‌های اجتماعی، قبول و پذیرش ارزش‌های خانوادگی و بومی تأکید دارند (۱۴).

کلکلی<sup>۱۶</sup> در تحقیقی به این نتیجه رسید نوجوانانی که در ابعاد اجتماعی یا ارزش‌های اجتماعی در



سطح پایین هستند، در فرآیند رشد اجتماعی اختلال دارند و نمی‌توانند معیارها، مقررات و ارزش‌های جامعه خود را درونی کنند(۱۵).

عبدالمیر گیلک در تحقیقی به این نتیجه رسید که پسران بیشتر از دختران در موارد اخلاقی با والدین خود اختلاف نظر دارند. در پرسش‌نامه سلسله مراتب ارزش‌ها، در پسران ارزش‌های اقتصادی و سیاسی بالاتر بود، ولی در دختران ارزش‌های زیبایی‌شناختی، مذهبی و اجتماعی جایگاه بالاتری داشت(۱۶).

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که دختران بیشتر از پسران بزرگ‌پارچگی شخصیت و ارزش‌های اجتماعی تأکید می‌ورزند و ازدواج را یک هدف می‌دانند. در حالی که پسران از آزادی بیان و آزادی رقابت، به منزله ارزش‌های مسلط یاد می‌کنند. نتایج نشان داد که سلسله مراتب ارزش‌ها با توجه به موقعیت جغرافیایی (شهری روستایی)، جنس، سن و شرایط زندگی، در بین نوجوانان متفاوت است(۱۷).

لی و مارکس در تحقیقی که در مورد ۱۵۳۳ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که بین سلسله مراتب ارزش‌ها، نگرش‌ها و پیامدهای رفتاری (مانند پیشرفت تحصیلی) دختران و پسران، تفاوت معناداری وجود دارد. در یک مطالعه دیگر، معلوم شد که نوجوانان بزرگوار نسبت به ارزش‌های اجتماعی و تعهدات سیاسی کم‌توجه‌تر از نوجوانان غیربزرگوار هستند(۱۸).

نتیجه تحقیقی که نگارنده انجام داده است، نشان می‌دهد که سلسله مراتب ارزش‌های دختران و پسران متفاوت است. سلسله مراتب ارزش‌های دانش‌آموزان متأثر از سواد والدین و در پایه‌های گوناگون تحصیلی، متفاوت است. سلسله مراتب ارزش‌های دانش‌آموزان شهری و روستایی نیز متفاوت است. جداول ۱ تا ۴ نتایج آماری تحقیق را نشان می‌دهد.

(جدول ۱ آزمون فرضیه شماره ۱ (تفاوت میان نوجوانان دختر و پسر)

ارزش‌ها	دینی	سیاسی	اجتماعی	زیباشناختی	اقتصادی	نظری
میانگین گروه اول(پسر) F	۴۵/۶۹	۳۹/۳۴	۴۱/۳۴	۳۶/۶۸	۳۸/۷۶	۳۸/۸۳
فراوانی تراکمی FC	۴۵/۶۹	۸۵/۰۳	۱۲۶/۳۷	۱۶۳/۰۵	۲۰۷/۸۱	۲۴۰/۶۴
درصد فراوانی تراکمی CP	۰/۰۹۱	۰/۱۶۹	۰/۰۵۲	۰/۳۲	۰/۴۰	۰/۴۸
میانگین گروه دوم(دختر) F	۴۶/۹۱	۳۸/۶۱	۴۱/۲۸	۳۸/۲۵	۳۷/۵۹	۳۸/۰۵
فراوانی تراکمی FC	۴۶/۹۱	۸۵/۵۲	۱۲۶/۱۸	۱۶۵/۰۵	۲۰۲/۶۴	۲۴۰/۶۹
درصد فراوانی تراکمی CP	۰/۱۰۶	۰/۱۹۳	۰/۲۸۷	۰/۳۷	۰/۴۶	۰/۵۴
D=CP-CP	۰/۱۵۱	۰/۰۲۴	۰/۲۳۵	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۶

در مورد فرضیه اول، با توجه به این که  $k$  محاسبه شده (۳/۶) در سطح آلفای ۵٪ ( $P < 5\%$ ) از  $k$  جدول (۱۳۶) بزرگ تر است، فرض بوج ( $H_0$ ) رد می شود و فرض تحقیق ( $H_1$ ) که بیان می کند «بین سلسله مراتب ارزش های دانش آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد»، تأیید می گردد.

**(جدول ۲ آزمون فرضیه شماره ۲ (تفاوت بین دو گروه سواد والدین)**

ارزش ها	دینی	سیاسی	اجتماعی	زیباشناختی	اقتصادی	نظری
میانگین گروه اول (سواد پایین F)	۴۶/۸۸	۳۸/۶۴	۴۱/۳۵	۳۷/۴۱	۳۷/۵۲	۳۸/۳۰
فراوانی تراکمی FC	۴۶/۸۸	۸۵/۵۲	۱۲۶/۸۷	۱۶۴/۲۸	۲۰/۷۸	۲۴۰/۱
درصد فراوانی تراکمی CP	۰/۰۶۹	۰/۱۲۹	۰/۱۸۷	۰/۲۴۲	۰/۲۹۸	۰/۳۵۴
میانگین گروه دوم (سواد بالا F)	۴۴/۷۶	۳۹/۲۸	۴۰/۶۷	۳۷/۶۷	۳۸/۳۴	۳۹/۱۴
فراوانی تراکمی FC	۴۴/۷۶	۸۴/۰۴	۱۲۴/۷۱	۱۶۲/۳۸	۲۰/۷۲	۲۳۹/۸۶
درصد فراوانی تراکمی CP	۰/۱۷۱	۰/۳۲۱	۰/۴۷۷	۰/۶۲۲	۰/۷۶۹	۰/۹۱۹
$D=CP-CP$	۰/۱۰۲	۰/۱۹۵	۰/۲۹	۰/۳۸	۰/۴۷۱	۰/۵۶۵

در مورد فرضیه دوم، با توجه به این که  $K$  محاسبه شده (۷/۷۵) در سطح آلفای ۵٪ ( $P < 5\%$ ) بزرگ تر است، فرض بوج ( $H_0$ ) رد می شود و فرض تحقیق ( $H_1$ ) که بیان می کند «بین سلسله مراتب ارزش های دانش آموزان و سواد والدین تفاوت وجود دارد»، تأیید می گردد.

**(جدول ۳ آزمون فرضیه شماره ۳ (تفاوت بین دو گروه پایه تحصیلی)**

ارزش ها	دینی	سیاسی	اجتماعی	زیباشناختی	اقتصادی	نظری
میانگین گروه اول دوم متوسطه F	۴۵/۵۹	۳۸/۴۳	۴۷/۱۷	۳۷/۰۱	۳۸/۲۳	۳۹/۶۲
فراوانی تراکمی FC	۴۵/۵۹	۸۴/۰۲	۱۲۵/۱۹	۱۶۲/۲	۲۰/۴۳	۲۴۰/۰۵
درصد فراوانی تراکمی CP	۰/۰۸۴	۰/۱۵۵	۰/۲۳۱	۰/۳۰۰	۰/۳۷۱	۰/۴۴۴
میانگین گروه دوم چهارم متوسطه F	۴۶/۶۷	۳۹/۲۹	۴۰/۹۹	۳۸/۱۱	۳۷/۳۹	۳۷/۲
فراوانی تراکمی FC	۴۶/۶۷	۸۵/۹۶	۱۲۶/۹۵	۱۶۵/۰۶	۲۰/۲۴۵	۲۳۹/۶۵
درصد فراوانی تراکمی CP	۰/۱۱۴	۰/۲۱۱	۰/۳۱۲	۰/۴۰۶	۰/۴۹۸	۰/۵۹۰
$D=CP-CP$	۰/۰۳	۰/۰۵۶	۰/۰۸۱	۰/۱۰۶	۰/۱۲۷	۰/۱۴۶

در مورد فرضیه سوم، با توجه به این که  $k$  محاسبه شده (۲/۲۲) در سطح آلفای ۵٪ ( $P < 5\%$ ) از  $k$  جدول (۳۶) (۱) بزرگتر است، فرض پوچ ( $H_0$ ) رد می شود و فرض تحقیق ( $H_1$ ) که بیان می کند «بین سلسله مراتب ارزش های دانش آموزان پایه اول و دوم و پایه سوم و چهارم متوسطه تفاوت وجود دارد»، تأیید می گردد.

#### (جدول ۴ آزمون فرضیه شماره ۴ (شهری - روستایی))

ارزش ها	دینی	سیاسی	اجتماعی	زیباشناختی	اقتصادی	نظری
میانگین گروه اول شهری $F$	۴۵/۶۶	۳۸/۹۳	۴۰/۹۴	۳۸/۰۸	۳۸	۳۸/۸۶
فراوانی تراکمی $FC$	۴۵/۶۶	۸۴/۵۹	۱۲۵/۵۳	۱۶۳/۶۱	۲۰۷/۶۱	۲۴۰/۴۷
درصد فراوانی تراکمی $CP$	۰/۷۶	۰/۱۴	۰/۲۱	۰/۲۷	۰/۳۴	۰/۴۰
میانگین گروه دوم روستایی $F$	۴۶/۹۴	۳۹/۰۲	۴۷/۶۸	۳۶/۸۸	۳۸/۳۵	۳۸/۰۲
فراوانی تراکمی $FC$	۴۶/۹۴	۸۵/۹۶	۱۲۷/۶۴	۱۶۴/۵۲	۲۰۲/۸۷	۲۴۰/۸۹
درصد فراوانی تراکمی $CP$	۰/۱۳	۰/۲۵	۰/۳۶	۰/۴۷	۰/۵۸	۰/۶۹
$D=CP-C P$	۰/۵۴	۰/۱۱	۰/۱۵	۰/۲	۰/۲۴	۰/۲۹

در مورد فرضیه چهارم، با توجه به این که  $K$  محاسبه شده (۴/۳۰۳) در سطح آلفای ۵٪ ( $P < 5\%$ ) از  $K$  جدول (۷۳۶) بزرگتر است، فرض پوچ ( $H_0$ ) رد می شود و فرض تحقیق ( $H_1$ ) که بیان می کند «بین سلسله مراتب ارزش های دانش آموزان شهری و روستایی تفاوت وجود دارد»، تأیید می گردد.

بدون شک، آموزش و پرورش، یک نهاد اجتماعی گسترده و پیچیده است. که در کنار سایر نهادها، مانند خانواده، دولت و اقتصاد نقش مهم در شکل گیری و ایجاد رفتارهای افراد بازی می کند. صاحب نظران مکتب های جامعه شناختی (کارکرد گرایی<sup>۱۷</sup>، تعارض<sup>۱۸</sup> و تعامل گرایی<sup>۱۹</sup>) در مورد نقش آموزش و پرورش نظراتی ارائه داده اند. به زعم کارکردگرایان، آموزش و پرورش و نهادهای آموزشی، مانند دیگر نهادهای اجتماعی، دارای کارکردهای آشکار و پنهان هستند. اساسی ترین کارکرد آشکار تعلیم و تربیت، انتقال دانش است. مدارس به دانش آموزان نحوه خواندن، صحبت کردن به زبان خارجی، آماده کردن و تعمیر یک دستگاه و از این قبیل را می آموزند. علاوه بر این

کارکردهای آشکار، مدارس کارکردهای پنهانی نیز دارند که عبارت اند از: انتقال فرهنگ و ارزش های فرهنگی، تقویت انسجام اجتماعی - سیاسی، حفظ کنترل اجتماعی و عامل تغییر بودن (۱۹).

### نتیجه گیری

براساس بررسی متون و تحقیقات انجام شده، می توان گفت که وظیفه اساسی هر فرهنگ در زمینه پرورش اجتماعی، تفهیم معیارهای اخلاقی و ارزشی و شکل دهی رفتارهای شایسته در کودک در حال رشد است. مورگادو<sup>۲۰</sup> نشان داد که نظام ارزشی افراد بر رفتارهای گوناگون آن ها (صحبت کردن، لباس پوشیدن و ...) تأثیر می گذارد. کیتا و سیتارزیک<sup>۲۱</sup> در تحقیقی دریافتند که نگرش های والدین در ایجاد یک نظام ارزشی پایا و با ثبات در نوجوانان مؤثر است. هر چه بین نگرش ها و ارزش های والدین و نوجوانان همسانی بیشتر باشد، نوجوانان کمتر به بحران ارزشی<sup>۲۲</sup> دچار می شوند. مک کارتی و شروم<sup>۲۳</sup> دریافتند که بین ارزش های شخصی، جهت گیری های ارزشی، نگرش ها و رفتار افراد در موقعیت های شغلی ارتباط وجود دارد. نتیجه تحقیق حسن زاده نیز نشان داد که ارزش دینی در نظر کلیه دانش آموزان مورد تحقیق بالاترین رتبه را دارد.

محمد خلیفه خاطر نشان می کند که نهادهای آموزشی در انتقال ارزش ها و فرهنگ نقش قاطع دارند. او دریافت که بین دانش آموزان رشته های متفاوت و ارزش های آن ها رابطه وجود دارد. برای مثال، دانش آموزان رشته بازرگانی به ارزش هایی مانند درآمد، خدمات عمومی، رابطه با دوستان کاری و محیط مادی کار اهمیت بیشتری می دهند. نظام ارزش ها به نوع آموزش (دولتی یا خصوصی) نیز وابسته است و روشن شد که بین رشته تحصیلی و نظام های ارزشی هم رابطه وجود دارد. مقایسه ارزش های کودکان در کشورهای آمریکا، انگلستان، ترکیه، ایران، کامبوج و ژاپن نشان می دهد که کودکان از طریق نقاشی، بازی و فعالیت های ورزشی، ارزش های غالب فرهنگی اجتماعی جامعه خود را منعکس می کنند (۲۰).

## پیشنهادها

۱. با توجه به نتایج تحقیقات معلوم می‌شود که نهاد آموزشی هر کشور در انتقال ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند. بنابراین، به مسئولین و دست‌اندرکاران توصیه می‌شود به این امر توجه ویژه داشته باشند و آن را تقویت کنند.
۲. با توجه به ارتباط نزدیک نهادهای مختلف اجتماعی در جهت انتقال ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی، باید بین این نهادها همسویی و هماهنگی بیشتری ایجاد شود.
۳. با توجه به اهمیت بافت و زمینه متفاوت اجتماعی. فرهنگی در رشد ارزش‌ها، قبل از تدوین هرگونه برنامه آموزشی. تربیتی، باید به این موضوع توجه کرد و ارزش‌هایی متناسب با بافت اجتماعی ارائه داد.
۴. از آن‌جا که ارزش‌های فرهنگی. اجتماعی نسبتاً با ثبات‌اند، به مسئولان فرهنگی و آموزشی و تربیتی توصیه می‌شود با برنامه‌ریزی درست و ارائه برنامه‌های آموزشی برگرفته از فرهنگ دینی و ملی برای تثبیت ارزش‌ها، ایجاد ارزش‌های متناسب با رشد مرحله سنی نوجوانان و پایداری ارزش‌های مثبت تلاش کنند.
۵. از آن‌جا که بین ارزش‌های نوجوانان و جنبه‌های گوناگون رفتار، نگرش، عادات، تفکر و احساسات ارتباط وجود دارد، توصیه می‌شود که مسئولان فرهنگی به رشد و ایجاد نظام ارزشی افراد توجه داشته باشند.
۶. با توجه به تحقیق ابروانی و همکاران با ارزشیابی ارزش‌های افراد می‌توان در امور استخدای، دانشگاه‌ها، مؤسسات تربیتی و ... از آن به مثابه وسیله‌ای مناسب استفاده کرد.



1. *System*
2. *Culture*
3. *Tylore*
4. *Socialization*
5. *Acculturation*
6. *Mansted & Howstone*
7. *Rollo May*
8. *Developmental Pattern*
9. *Values & Moral Standards*
10. *Debesse*
11. *Abstract Standards*
12. *Mature Values*
13. *Parsons*
14. *Spranger*
15. *Kohen - Raz*
16. *Cleckley*
17. *Functionalist*
18. *Confict*
19. *Interactionist*
20. *Morgado*
21. *Kita & Sitarczyk*
22. *Value Crisis*
23. *McCarty & Shrum*

۱. کرشن، بروس، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر، (۱۳۷۲).
۲. ستوده، هدایت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور، (۱۳۷۶).
۳. منبع شماره ۲.
۴. ایروانی، محمود و همکاران، رابطه ادراک کلمات و تصاویر با ارزشها، مجله دانش و پژوهش سال دوم، شماره ۵ صص ۲۴-۱۳، (۱۳۷۹).
5. *Hergenhahn, B.R. and Olson, M.H. (1999), An Introduction to Theories of Personality, Fifth edition by prentice - Hall, Inc.*
۶. احمدی، سید احمد، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، اصفهان: انتشارات مشعل، (۱۳۶۹).
۷. حسن‌زاده، رمضان، بررسی سلسله مراتب ارزش‌های دانش‌آموزان دوره متوسطه استان‌های مازندران و گلستان، مجله دانش و پژوهش، سال دوم، شماره ۵، صص ۵۸-۴۹، (۱۳۷۹).
8. *Berk, L.E. (1994), Child Development. Third edition by Allyn and Bacon.*
۹. روشه، گی، کنش اجتماعی، ترجمه: همان‌جانی‌زاده، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۸۹) (۱۳۷۰).
10. *Schaefer, R.T. and Lamm, R.P. (1998). Sociology. The Mc Grow-Hill Inc.*
۱۱. منبع شماره ۷.
12. *Eccles, J.S; Wigfield, A; Flanagan, C.A; Miller, C. (1998). Self - concepts, domain values, and self - esteem; Relations and changes at early adolescence, Journal of personality, Jun vol. 57 (2). 283-310.*
۱۳. منبع شماره ۷.
14. *Obidi, S.S. (1993), A study of the reactions of secondary grammar school students to indigenous moral values in Nigeria. Journal of Negro - Education, winter vol. 62 (1) 82-99.*

15. Sarason, I. G; Sarason, B.R. (1998), *Abnormal Psychology: the Problem of Maladaptive Behavior*, by prentice - Hall Inc.

۱۶. گیلک، عبدالامیر، سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان دختر و پسر، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، (۱۳۷۸).

۱۷. شمسیان، داود، بررسی سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان و جوانان دختر و پسر، چکیده تحقیقات تربیتی (۲)، دفتر مشاوره و تحقیق معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، تهران: ناشر امور عمومی معاونت پرورشی، (۱۳۷۲).

18. Lee, V.E; Marks, H.M. (1990), *Sustained effects of the single - sex secondary school experience on attitudes, behaviors, and values in college. Journal of educational Psychology. sep vol. 82 (3) 578-592.*

۱۹. منبع شماره ۱۰.

۲۰. محمد خلیفه، عبداللطیف، بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها، ترجمه: سید حسین سیدی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، (۱۳۷۸).